

میدون و سوفیا

مالیدی خیر باشه



پوریا عالمی

● چند روز پیش فیلم وزیر بهداشت درآمد که در پاسخ به مردی که می‌گوید بی‌کار شده و مشکل فیزیوتراپی دارند، می‌گوید: «خودت بمال».

پیرمرد به وزیر می‌گوید: من سال‌ها تهران کار می‌کردم، الان بی‌کارم، چی کار کنم؟

وزیر می‌گوید: تهران هم که بودی، پس دیگه بلدی بمالی.

تحلیل‌های مالیدیگی

الان یک‌سری دارند به وزرا انتقاد می‌کنند که نباید به مردم این‌طوری جواب بدهند و زشت است و اخلاقی نیست.

یک‌سری هم می‌گویند شوخی که بد نیست و این گفته و آن خندیده.

یک‌سری هم می‌گویند وزرا باید جای شوخی‌کردن کار کنند وگرنه استندآپ‌کمدین‌های تلویزیون باید بروند دولت، وزیران بروند تلویزیون برنامه اجرا کنند.

خیلی‌ها می‌گویند دولت کم‌کم می‌تواند یک تیم استندآپ به برنامه رامبد جوان معرفی کند. یک‌سری هم می‌گویند آدم‌ها مته به خشخاش می‌گذارند و چون وضعیت اقتصادی داغون است آستانه شوخی مردم کم است.

یک‌سری می‌گویند این شوخی‌ها ثابت می‌کنند تهیدستان دست‌خالی خواهند ماند.

ما اما این‌طوری فکر نمی‌کنیم. ما فقط یک مسئله داریم و این است که وزیر بهداشت گفته: «کسانی که تهران هستند بلدند بمالند».

ما اما به‌عنوان کسی که در تهران زندگی می‌کنیم بخشی از حرف وزیر را تایید و بخشی از حرف خودمان را تکذیب می‌کنیم.

این‌طوری که ما فهمیدیم، مالیدن در تهران چند مرحله است:

مالیدن در مترو

یکی در مترو؛ یعنی ما مشکل فیزیوتراپی داشته باشیم و سوار مترو بشویم و مالیده شویم – به در و دیوار و جمعیت – آیا از لحاظ پزشکی برایمان خوب است؟

مالیدن در خیابان

در خیابان هم خیلی‌ها تا حالا به ما مالیده‌اند، ما هم یکی، دوباری از دستمان در رفته و به دیگران مالیده‌ایم. الان هم دورتادور ماشین ما را نگاه کنید اثرات مالشی وجود دارد. آیا مالیدن ماشین به ماشین خاصیت درمانی دارد یا خیر آقای وزیر؟

مالیدن دست به هم

خیلی موقع‌ها هم بوی کباب می‌آید و می‌بینیم که خیلی‌ها دستشان را می‌مالند به هم که بعد متوجه می‌شوند کباب نبوده و چیزی داغ می‌کرده‌اند و دستشان را می‌مالند به شلوارشان. آیا این مالیدن در درمان فرد موثر است؟

مالیدن در حمام عمومی

قدیم دلاک‌ها در حمام عمومی پشت آدم را مشت‌ومال می‌دادند و می‌مالیدند. آیا از لحاظ پزشکی برویم پیش دلاک که بمالد خوب است؟ و آیا خود پزشکان درشان می‌گیرد می‌روند دلاکی؟

مالیدن شیره به سر

چیزی که توی تهران زیاد مالیده می‌شود شیره به سر مردم است. آیا این شیره‌مالیدن به سر، روی کم‌ردرد تأثیر دارد؟ اگر دارد، چرا مسئولان موقع انتخابات شیره را به سر می‌مالند؟ مستقیم بمالند جایی که درد می‌کند.

مالیدن مالیده

وزیر بهداشت هفته قبل از تجویز مالیدن گفته بود رای دادید و باید با انتخاباتن بسازید تا اوضاع بهتر شود. این‌طور که ما فهمیدیم، خلاصه مانبقست امروز مردم می‌شود: مالیدی.

جمع‌بندی

سوفیاء... عشقم... همه‌جام درد می‌کند و نمی‌دانم باید کجام را بمالم که خوب شود. بهتر نیست بروم زیر غلنگ که یکهو و به صورت صددرصدی مالیده شوم و دردهام کم شود و خلاص؟

عاشق مالیده تو؛ میدون دوم

نکته

مریخی‌ها

● **ایسنا:** «کریس هدفیلد» (Chris Hadfield)، فضانورد بازنشسته کانادایی، اخیر نظر خود را درباره فضانوردان بیان کرد و با شوخی گفت: «فضانوردانی که به مریخ سفر خواهند کرد قطعا پشتیبانی معمولی را از مرکز کنترل مأموریت در زمین نخواهند داشت، بنابراین برای اینکه زنده بمانند باید خود را یک مریخی بدانند». پیش‌بینی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که انسان‌ها در دهه‌های آتی به مریخ که ۴۰۰ میلیون کیلومتر از زمین فاصله دارد، سفر خواهند کرد. اما فاصله وسیعی که بین دو سیاره مریخ و زمین وجود دارد، سبب می‌شود ارتباط مرکز کنترل مأموریت با خدمه پرواز این سفر با ۲۲ دقیقه تأخیر انجام شود. این سفر ۲،۵ سال به طول خواهد انجامید. بنابراین فضانوردانی که در این سفر به مریخ خواهند رفت می‌بایست متکی به خود باشند.

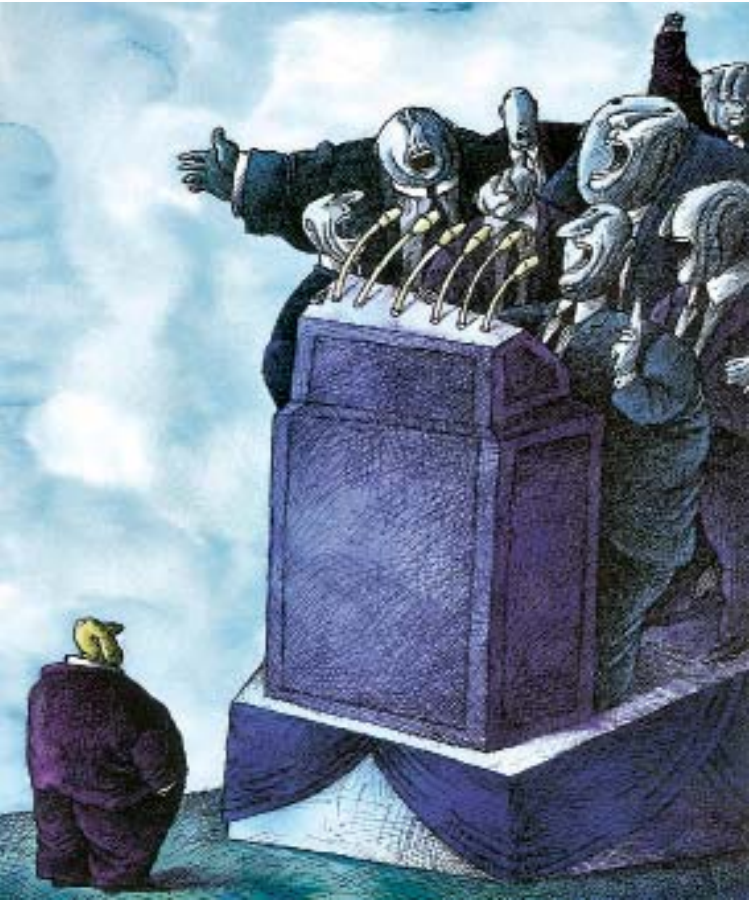
شرق روزنامه

سه‌شنبه ۳ مهر ۱۳۹۷ = ۱۵ محرم ۱۴۴۰ = ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۸
سال شانزدهم • شماره ۳۲۵۱ = ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۵ • اذان صبح فردا ۴:۲۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

آرستید هر ناندز



قصه‌های شهر

مدرسه ۶۰ ساله یمینی شریف

سال‌ها به کل تغییر مسیر می‌دهد و امروزه البته یکی از مدارس خوشنام دولتی مقطع متوسطه دخترانه تهران است.

عباس یمینی شریف را همه می‌شناسیم، مصرع «ای نام تو بهترین سرآغاز» که از بچگی تا امروز گوشه ذهنمان حک شده، از اشعار اوست، اما نکته مهم نه اشعار او، نه راه‌اندازی چنین مدرسه‌ای با امکانات خوب، نه فعالیت‌های یمینی در چاپ کتاب آموزشی، مجله و باشگاه دانش‌آموزی، بلکه این نکته است که صرف وجود چنین مدرسه‌ای مثل داشتن یک پشیننه باارزش آموزشی و فرهنگی است. مدیر و معاون سختکوش و فعلی مدرسه پابینی‌هان تصمیم گرفته‌ایم منزلتمان را در یک سرمایه‌گذاری پرسود تبدیل به بنگاه تحصیل کنیم. درهرحال ساختمان بسیار بزرگ مدرسه اول از همه چشم‌هم را گرفت و وقتی سرم را بالا کردم و تاریخ تأسیس آن را دیدم جسد زدم که با یک جای شناسنامه‌دار و تاریخی روبه‌رو هستم، وقتی داخل مدرسه رفتم، جسدم تبدیل به یقین شد، چون بنابر اصل ملی رایج که تاریخ را باید به تاریخ سپرد به خوبی معلوم بود که از طرف متولیان امر که مشخصا وزارت آموزش‌وپروش است، ساختمان به فراموشی تاریخی سپرده شده تا به صورت زیرخاکی دربیاید!

القصه مدرسه مذکور درحقیقت مجتمع آموزشی بوده که عباس یمینی شریف به همراه همسرشان و با همکاری اولیا در آغاز دهه ۴۰ تحت عنوان روش نو ساخته بودند و نزدیک ۲۰ سال با بیش از هزار دانش‌آموز و ۴۰ کلاس و سالن‌های متعدد آموزشی و امکانات رفاهی به فعالیت خود ادامه داده. این مدرسه که در اواخر دهه ۵۰ طی ماجرای دولتی‌شدن مدارس ملی به آموزش‌وپروورش وقت واگذار شده، با وقوع انقلاب و بازنشسته‌شدن یمینی شریف و همسرش در همان بومونی؟ برو به هتل دیگه که خدماتش بهتر!



روز جهانی صلح فرصتی است تا شاید بتوان به‌جای این همه شعار و تأیید و تشویق و ستایش از جنگ، سخنی از صلح گفت. بشر را چه می‌شود که این همه انباشته از کینه و ستیز است؟ استاندارد به سنن ستیزنده باستانی با این همه پیشرفت علمی و صنعتی و اداهای بشردوستانه سازگاری ندارد. بشر هزاران سال به قتل و تاراج همسایگان و گسترش سلطه شمشیر و شستن خون با خون افتخار کرده است؛ گویی آن عادت هنوز رخت نر بسته است؛ هنوز کینه‌توزی و خون‌خواهی و لذت از انتقام بر لایه‌های درونی روان انسان‌ها حاکم است. گاهی اخلاقیات مدنی تأثیر می‌کند و ناله و انتقادی می‌شود، اما دآوری نهایی بستگی به این دارد که تا چه اندازه حق خود را قربانی تعدی بداند و حق، امری اعتباری و نسبی است. انسان‌ها همواره ادعاها و اعتقادات خود را بر حق و طرف مقابل را ناحق می‌دانند و بر دآوری یک‌جانبه خود پافشاری می‌کنند، اما در بروز خشونت فرقی نمی‌کند که دو حق یا دو ناحق در برابر یکدیگر قرار گیرند.

بزرگ‌ترین خشونت‌های بشری در قرن بیستم رخ داده است که بشر بیش از همه تاریخ ادعای توسعه علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی داشته است.

جنگ جهانی اول با کشمکش‌های محلی و استعماری و استبدادی ادامه یافت تا به جنگ جهانی دوم کشید



فریادون مجلسی

روز جهانی صلح فرصتی است تا شاید بتوان به‌جای این همه شعار و تأیید و تشویق و ستایش از جنگ، سخنی از صلح گفت. بشر را چه می‌شود که این همه انباشته از کینه و ستیز است؟ استاندارد به سنن ستیزنده باستانی با این همه پیشرفت علمی و صنعتی و اداهای بشردوستانه سازگاری ندارد. بشر هزاران سال به قتل و تاراج همسایگان و گسترش سلطه شمشیر و شستن خون با خون افتخار کرده است؛ گویی آن عادت هنوز رخت نر بسته است؛ هنوز کینه‌توزی و خون‌خواهی و لذت از انتقام بر لایه‌های درونی روان انسان‌ها حاکم است. گاهی اخلاقیات مدنی تأثیر می‌کند و ناله و انتقادی می‌شود، اما دآوری نهایی بستگی به این دارد که تا چه اندازه حق خود را قربانی تعدی بداند و حق، امری اعتباری و نسبی است. انسان‌ها همواره ادعاها و اعتقادات خود را بر حق و طرف مقابل را ناحق می‌دانند و بر دآوری یک‌جانبه خود پافشاری می‌کنند، اما در بروز خشونت فرقی نمی‌کند که دو حق یا دو ناحق در برابر یکدیگر قرار گیرند.

بزرگ‌ترین خشونت‌های بشری در قرن بیستم رخ داده است که بشر بیش از همه تاریخ ادعای توسعه علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی داشته است.

جنگ جهانی اول با کشمکش‌های محلی و استعماری و استبدادی ادامه یافت تا به جنگ جهانی دوم کشید

پشت تاریخ

چرا صلح بهتر است

خود استادگی کرد و سپس نامردانه گریخت! اما به دام افتاد و اعدام شد. آن‌سوتر در جنوب مدیترانه، سرهنگ قذافی با آن اطوار و جنایات جنون‌آمیز، خود را برحق می‌دانست و مدعی استادگی مردانه بود، پس از ویرانی کشورش نامردانه گریخت و به دام افتاد. در شمال مدیترانه نیز میلوسویچ، رئیس سرسخت و نژادپرست دولت صربستان، تا آخرین نفس ملتش جنگید و کشت و کشته داد، سپس او نیز نامردانه گریخت و به دام افتاد. عجیب است خودخواهی این‌گونه مردان که می‌دانند وجودشان عامل اصلی خطرخیز و جنگ‌ساز است، دام مرگ خود را نیز فراهم می‌کنند.

اکنون شاهد آتیم که در کنار ما، کشورهای مرفه و ثروتمندی مانند عربستان و امارات به‌جای تلاش و سپساز رفاه و آرامش و توسعه، بدون اینکه به‌جای آن‌گونه سرنوشت‌های عبرت‌آور به بقای کاخ‌های شیشه‌ای و آسیب‌پذیر خود بیندیشند، جنگ را به کشور فقیری مانند یمن کشانده‌اند، که کار خطرناکی است؛ زیرا یمن چیزی برای باختن ندارد. در شرایط خطرمنطقه که بر منابع استراتژیک انرژی تکیه دارد و آرمندان از دیرباز برای «بازیافت دلارهای نفتی‌اش» برنامه چیده‌اند، بر کشوری مانند ایران است که تجربه تلخ جنگ طولانی خود را به یاد داشته باشد و خود را در معرض دام جنگ‌های فرسایشی و ضربه‌های محتمل و آسیب‌رسان قرار ندهد و بکوشد ضمن درون‌گذاشتن خود از جنگ و با تبلیغات صلح‌آمیز، منطقه را نیز از جنگ دور نگه دارد و کبوتر صلح و آرامش و رفاه را که در زمانی است پر کشیده است، به لانه بازگرداند تا در سایه صلح بتواند توسعه اجتماعی و رفاه و آسایش ملی را تأمین کند.

گفت‌وگو

فیلم‌های من سر مقاله مطبوعاتی است



نه. من ضبطش نکردم و به او هم گفتم که هیچ چیزی را در اینجا مخفیانه ضبط نمی‌کنم و این کار را هم نکردم. چیزی که واقعا می‌خواستم بدانم این بود که چطور آن کار را کرد؟ گفت: «بین، خیلی آسان است- ما به این قصد جلو می‌رویم که سر بشکنیم و طرف ما می‌خواهد جنگ بالاش کند». به‌نظم خیلی درست و خیلی صادقانه آمد، چون لیبرال‌ها و دموکرات‌ها مدام دارند کار می‌آیند و سازش می‌کنند.

این گفت‌وگو چه تغییری در فیلم ایجاد کرد؟

روز بعدش گفتم فیلم را می‌بینم و هر چیزی را که مثل جنگ بالاش باشد، می‌اندازیم دور. کجا بود که سعی کردیم لیبرال به‌نظر برسیم؟ هر جا بود، بریزیم بیرون. صحبت با او یک نقطه عطف بود. گفت: «ما در جنگ به‌سر می‌بریم، شما این را نمی‌دانید، شما در جنگ نیستید. ما قبل از این جنگ را شروع کرده‌ایم». من هم به بچه‌های گروه فیلم‌سازی گفتم: «ما هم بهتر است جنگ را شروع کنیم. ببینیم چطور می‌توانیم با استفاده از فرم هنری بجنکیم». چون هنر می‌تواند سلاح قدرتمندی باشد. هجو می‌تواند سلاحی قوی باشد. لازم است که همه ما مثل مقاومت فرانسه (علیه نازی‌ها) عمل کنیم، وقتی تانک‌ها در فاصله ۲۰ مایلی پاریس هستند.

واضح است که شما فقط ترامپ را هدف قرار نداده‌اید، بلکه کل سیستم را نشانه رفته‌اید. فکر نمی‌کنید حزب دموکرات را باید نجات داد؟

نه. نمی‌خواهم این حزب را نجات بدهم. می‌خواهم حزب دموکرات موجود را به خاک بسپرم و دلم می‌خواهد شاهد رستاخیزش به دست مردم باشم. آنها خودشان را حزب مردم می‌دانند. اما باید مردم وارد این حزب شوند تا این حزب متعلق به مردم باشد. بیشتر از دوسوم رای‌دهندگان این کشور با زن هستند یا رنگین‌پوست یا در سنین ۱۸ تا ۳۵ سال یا ترکیبی از هر سه. کل آمریکا مثل من نیست، یک مرد سفیدپوست میان‌سال که یک تخته‌اش هم کم باشد!

پیشنهاد

پری زنگنه در کاج

و غیرایرانی است. در بخش شعر چندین اثر از شاعرانی مانند شمس لنگرودی، جواد مجابی و ژاک پرهو می‌توان خواند و دو نمایش‌نامه کوتاه از علی دارمی‌زاده و ژاک‌پرهو در کنار مقاله‌ای درباره بازار هنر در دوران مدرن به قلم پیمان کرامی بخش هنر این شماره را تشکیل داده‌اند. دو مقاله درباره رخمه مردکان زرتشتی و سقاخانه‌ها نیز در بخش «بوم» جای گرفته‌اند. فصلنامه کاج در ۱۵۲ صفحه، ۱۰هزار تومان قیمت خورده است.



نخستین شماره فصلنامه «کاج» منتشر شد. این فصلنامه فرهنگی، هنری، ادبی را کانون اندیشه جوان سپهری کاشان منتشر می‌کند. اولین شماره رسمی فصلنامه بخش ویژه‌ای دارد که به پری زنگنه اختصاص یافته و شامل گفت‌وگویی با این استاد موسیقی ایران و یادداشت‌هایی درباره او است؛ ازجمله به قلم فروغ تمیمی، میرعلی‌رضا میرعلیتقی و یارتا یاران. بخش دیگر فصلنامه که به داستان اختصاص دارد، شامل ۱۵ داستان کوتاه از نویسندگان ایرانی